



## آسیب‌های ناشی از نفوذ عناصر غربی در تعلیم و تربیت اسلامی

زهرا مسعودنیا<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان یزد

اداره آموزش و پرورش شهرستان بیرجند، آموزشگاه رباب سیار - معاونت پرورشی

zmasoodni@gmail.com

۰۹۹۱۲۳۷۷۳۹۵

### چکیده

از جمله مهمترین و اساسی‌ترین نهادهای هر جامعه‌ای، آموزش و پرورش می‌باشد. آموزش و پرورش به مثابه یک نهاد حیاتی در هر اجتماعی، وظیفه‌ی تربیت کودکان و نوجوانان را برعهده دارد و تربیت مورد انتظار جامعه، تربیتی مطابق و همسو با آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه است. در کشور عزیزمان ایران که شاهد تلفیقی زیبا از فرهنگ ایرانی- اسلامی هستیم، انتظار می‌رود تربیتی درخور و شایسته‌ی این فرهنگ غنی از سوی آموزش و پرورش ارائه شود اما امروزه به‌علت هجوم و جنگ فرهنگی گسترده‌ای که کشورهای غربی راه‌اندازی کرده‌اند، این مهم چندان تحقق نمی‌یابد و ما شاهد نفوذ و گسترش حضور عناصر فرهنگ غرب در نظام تعلیم و تربیت هستیم و به‌طبع آن، نفوذ این عناصر سبب ایجاد آسیب در اجتماع و شیوه‌ی تربیتی فرزندان این مرز و بوم می‌شود. نظر به اهمیت موضوع مطرح شده، مقاله‌ی حاضر به بررسی آسیب‌های ناشی از نفوذ فرهنگ غربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی جامعه‌ی ما می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش، مشخص کردن میزان آسیب‌ها و ارائه‌ی راهکارهایی کارآمد برای مقابله با آن‌ها است. روش انجام این پژوهش از نوع مروری و کتابخانه‌ای است و در طول این پژوهش به اهمیت تلاش برای جلوگیری از نفوذ عناصر غربی در نظام تعلیم و تربیت خواهیم پرداخت.

### واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، عناصر فرهنگ غربی، تربیت اسلامی، آموزش و پرورش

### ۱- مقدمه

تعلیم و تربیت چیست؟ این سوالی است که ذهن اکثر والدین، دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت، صاحب‌نظران حوزه‌های روانشناسی و... را به‌خود مشغول می‌کند. این پرسش، یکی از بدیهی‌ترین سوالاتی است که در ذهن بیشتر افراد جامعه وجود دارد. برای پاسخ به این سوال نیازمند این هستیم تا تعلیم و تربیت را مورد بررسی قرار دهیم.

تربیت، دارای گستره‌ی معنایی بسیار وسیعی است و به‌طور کلی منظور از تربیت، تاثیراتی می‌باشد که اطرافیان بر عقل و اراده‌ی فرد دارند. استوارت میل، در تعریف تربیت می‌گوید: «تربیت، هرآنچه را که ما انجام می‌دهیم یا دیگران برای ما انجام می‌دهند تا ما را به کمال طبیعتمان نزدیک کنند را شامل می‌شود» (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۲۲).

واژه‌ی تربیت، با واژه‌هایی همچون آموزش، پرورش و بارآوردن شباهت دارد اما این واژگان تعریف درستی از تربیت را ارائه نمی‌دهند بلکه تربیت، حوزه‌ای بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از این مفاهیم را شامل می‌شود؛ اگرچه واژگان یادشده گاهی به‌جای تربیت به‌کار می‌روند.

به‌منظور آگاهی از تفاوت میان تربیت با آموزش، پرورش و بارآوردن، می‌توان بیان کرد که آموزش، «بیش از هر چیز، سپردن دانستنی‌هاست به دیگران» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۶). آموزش زمانی کاربرد دارد و سودمند به‌حساب می‌آید که بستری برای به‌کاربردن آموخته‌ها فراهم باشد. از آنجایی که آموزش به‌معنای دادن اطلاعات به دیگران است، انتقال هر مطلبی هرچند اندک و پراکنده، آموزش به‌حساب می‌آید اما تربیت اینگونه نیست.

بنابر عقیده‌ی صاحب‌نظران، پرورش به‌معنای «شکوفاندن و به‌کارآوردن توانایی‌های درونی و استعدادهای طبیعی» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۷) یک فرد است. در امر پرورش، صرفاً به شکوفاسازی درونی فرد توجه می‌شود و همواره طبیعت و نیروی درونی فرد است که در پرورش اصل و ملاک قرار می‌گیرد.



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

بارآوردن نیز با تربیت متفاوت است. منظور از بارآوردن، در نظر گرفتن تعدادی هدف به عنوان اصول مهم و حیاتی است و مقصد ما رسیدن به این اهداف است. در طی فرایند بارآوردن گاهی پیش می‌آید که اهداف در نظر گرفته شده، با اصول پرورش یا طبیعت افراد در تضاد هستند. بارآوردن، بیشتر با فرایندهایی نظیر ایجاد عادت، فرمان دادن، محدود کردن و... همراه است.

پس از بررسی موارد فوق، مجدداً به سراغ واژه‌ی تربیت می‌رویم. هنگامی که از تربیت انسان صحبت می‌کنیم، به وجه تمایز انسان و سایر مخلوقات اشاره داریم. تمامی انسان‌ها، تعدادی اصول را در ذهن خود به عنوان ارزش، مورد پذیرش قرار داده‌اند. در امر تربیت، سعی داریم افراد را به سوی ارزش‌های والا سوق دهیم. در این باره می‌توان گفت از آنجایی که ارزش‌ها مورد پذیرش افراد هستند، انسان‌ها داوطلبانه و مشتاقانه برای رسیدن به آن‌ها گام برمی‌دارند بنابراین در تربیت، گرویدن آزادانه وجود دارد در حالی که در بارآوردن، افراد سعی در واداشتن به کارهایی معین دارند.

تربیت دارای حوزه‌هایی وسیع و گسترده است و ابعاد گوناگونی از وجود انسان‌ها را در برمی‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که بسیار تحت تأثیر تربیت قرار دارد، حوزه‌ی اجتماعی حیات انسان است. از آنجایی که تربیت، هدایت افراد به سوی اهداف و ارزش‌های والای انسانی است، دست‌اندرکاران حوزه‌ی تربیت می‌توانند با در پیش گرفتن رویکردی صحیح در تربیت افراد، یک جامعه را در مسیر تبدیل شدن به جامعه‌ی آرمانی و صالح هدایت نمایند. عکس این مورد نیز صادق است؛ چنانچه افراد تأثیرگذار در امر تربیت، رویکردهایی ناشایست را انتخاب کنند، جامعه‌ی خویش را به سوی انحطاط و نابودی سوق می‌دهند. با توجه به موارد گفته شده، می‌توان اظهار داشت که تربیت، مفاهیم پرورش و... را نیز در برمی‌گیرد.

واژه‌ی دیگری که نیازمند بررسی می‌باشد، تعلیم است. عده‌ای از روانشناسان، تعلیم را به معنای انتقال معلومات به شاگردان در نظر می‌گیرند. در لغت‌نامه دهخدا، تعلیم به معنای «بیاموختن و بیگاهیدن» (دهخدا، ۱۳۱۰، جلد ۴، ص ۵۹۷۱) یاد شده است. بنابر توضیحات ارائه شده، تعلیم را می‌توان مشابه آموزش دانست؛ زیرا در هر دو مورد دانش و اطلاعاتی از یک فرد یا گروه به فرد یا گروهی دیگر انتقال می‌یابد.

مفهوم تعلیم و تربیت همواره با آموزش و پرورش همراه بوده است، گرچه فرایند تعلیم و تربیت صرفاً توسط این نهاد فرهنگی انجام نمی‌شود و عواملی مانند خانواده، همسالان و... در این مهم نقش غیر قابل انکاری دارند اما در این میان، نباید از تأثیرگذاری نهاد آموزش و پرورش در امر تعلیم و تربیت غافل بود. از آنجایی که تعلیم و تربیت از جمله وظایف رسمی نهاد آموزش و پرورش به حساب می‌آید، این نهاد از جمله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی- فرهنگی جامعه محسوب می‌شود. وظیفه‌ی این نهاد مهم، صرفاً به آموزش مفاهیم درسی ختم نمی‌گردد بلکه این نهاد، وظیفه‌ی «اجتماعی کردن و انتقال دانش» (پاسبان فیروزکوهی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۹۷) را در تربیت افراد برعهده دارد. آموزش و پرورش تنها زمانی می‌تواند عملکردی ایده‌آل داشته باشد که همسو با ارزش‌ها و هنجارهای دینی و اجتماعی حرکت کرده و از سویی صرفاً بر انتقال مفاهیم درسی تمرکز نکند بلکه تربیت را مقدم بر تعلیم بداند؛ زیرا تعلیم و تربیتی که همسو با ارزش‌های دینی و اجتماعی جامعه نباشد، موجبات عصیان و دین‌گریزی را در جوامع فراهم می‌کند.

متناسب با فرهنگ جامعه‌ی ایرانی و همسو با ارزش‌های اسلامی، آموزش و پرورش و به صورت کامل‌تر، تعلیم و تربیت، باید رنگ و بویی اسلامی داشته باشد. تعلیم و تربیت در جامعه‌ی ایرانی- اسلامی باید بتواند «حیات طیبه، جامعه‌ی عدل جهانی و تمدن ایرانی- اسلامی را تحقق ببخشد» (پاسبان فیروزکوهی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۰۲) و این مهم میسر نمی‌شود مگر با تعلیم و تربیتی همسو با دین مبین اسلام.

متأسفانه امروزه به علت تهاجم و نفوذ فرهنگی گسترده، عناصر فرهنگ غرب مانند دیدگاهی ابزاری به انسان، تعارض با دین، غفلت از تفکر معنوی و... به عرصه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی راه یافته و عرصه را بر تربیت دینی و مریبان آن تنگ می‌کند. این نفوذ و راه‌یابی، به علت عدم همخوانی عناصر وارد شده به عرصه‌ی تعلیم و تربیت، آسیب‌های جبران‌ناپذیری برجای خواهد گذاشت که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

اهمیت بررسی موضوع پژوهش، از جهت اثرگذاری منفی عناصر وارد شده در عرصه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی است. از آنجایی که جامعه‌ی ما، دارای فرهنگی دینی و اسلامی است، تعلیم و تربیت نیز در این جامعه باید همسو و در راستای تعالیم انسان‌ساز اسلام باشد. از طرف دیگر، مخاطبان اصلی امر تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان هستند؛ یعنی قشر تأثیرگذار و آینده‌ساز جامعه. به این منظور نیاز است برای تداوم فرهنگ اسلامی در جامعه، تعلیم و تربیت اسلامی صورت گیرد اما با نفوذ و رسوخ عناصر فرهنگ غرب، موجبات تغییر خط فکری جوانان و نوجوانان فراهم گردیده و دین‌گریزی، غرب‌گرایی و... در حال افزایش است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی آسیب‌های ناشی از نفوذ فرهنگ غربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی و ارائه‌ی راهکارهایی برای متوقف کردن این آسیب‌ها می‌باشد.

در رابطه با موضوع مورد پژوهش، مطالعاتی با موضوعات مشابه صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش رئیسی و همکاران (۱۴۰۱) اشاره کرد. رئیسی و همکاران در پژوهشی با عنوان «بررسی محورهای تربیتی دانش‌آموز در سند تحول بنیادین از منظر آیات و روایات» با روش کتابخانه‌ای و مروری و بررسی ابعاد تربیتی موجود در سند تحول بنیادین از دیدگاه آیات و روایات، به این نتیجه رسیده‌اند که اصول و تعالیم اسلامی در تربیت اسلامی تجلی یافته و تمامی این موارد در سند تحول بنیادین ذکر شده است و لازم است تمامی دستگاه‌های اجرایی به خصوص نهاد تعلیم و تربیت، به منظور جلوگیری از آسیب‌های تهاجم فرهنگی موجبات تربیتی اسلامی براساس ابعاد تربیتی سند تحول بنیادین را در جامعه فراهم سازند.



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

خلیلی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش آموزش و پرورش در تمدن اسلامی؛ از منظر تأمین نیاز» با روش پژوهش در تاریخ و اسلام و آموزش و پرورش به این نتیجه رسیده است که به علت اهمیت انکارناپذیر نظام تعلیم و تربیت، عدم توجه به رفع و حل مشکلات ناشی از نفوذ عناصر بیگانه، تمدن نوین اسلامی دچار آسیب شده و مسیر تکامل خود را طی نخواهد کرد.

افتخاری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «آسیب شناسی سیستمی آموزش و پرورش و ارائه راهکارها» با استفاده از روش تحلیل محتوای کتب درسی در مدت ۱۲ سال، به این نتیجه رسیده اند که تعداد زیادی از مشکلات موجود در جامعه مانند غرب گرایی، انحرافات جنسی و... ناشی از ایرادات نظام تعلیم و تربیت مانند نفوذ غرب در این نهاد است و راهکار مطلوب برای توافق این آسیبها، اصلاح نظام تعلیم و تربیت است.

کیان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «واکاوی سبک زندگی متعلم در تمدن نوین اسلامی و مقایسه آن با آرا اندیشمندان غربی» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی سبک زندگی متعلمان در هر دو تمدن پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که پیشرفت جامعه و رسیدن به آرمانها در هر دو تمدن مدنظر است اما نفوذ غرب در اسلام سبب جلوگیری از پیشرفت جامعه اسلامی می شود.

پژوهشهای دیگری نیز در رابطه با موضوع مورد بررسی انجام گرفته اند که به منظور جلوگیری از اطناب بحث، از بیان آنها خودداری می کنیم.

## ۲- روش شناسی

پژوهش حاضر، یک پژوهش غیر آزمایشی است. در این پژوهش از روش مطالعه توصیفی بهره گرفته شده است و با توجه به ضرورت موضوع، از منابع علمی به روز و دست اول کتابخانه ای استفاده شده است. بعد از انتخاب موضوع، جدیدترین منابع علمی مرتبط با موضوع انتخاب شده و با استفاده از فیش نگاریها، مطالب مورد نیاز برای تهیه و تدوین این مقاله گردآوری شده است و در نهایت، یافتهها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

## ۳- بحث درباره یافته ها

قسمت عمده فرایند تعلیم و تربیت برعهده نهاد فرهنگی آموزش و پرورش می باشد. این نهاد فرهنگی، کودکان و نوجوانان را در طول حیاتیترین سالهای عمر آنها تحت تعلیم و تربیت قرار می دهد. بدیهی است هر آنچه توسط این نهاد مهم به چرخه فکری دانش آموزان وارد شود، تا سالیان طولانی بر شیوه رفتار و تفکر آنها تاثیر می گذارد. کانت بیان می دارد «بشر، تنها با تعلیم و تربیت می تواند انسان شود و آدمی چیزی جز آنچه که تربیت از او می سازد، نیست» (گریسون و آندرسون، ۲۰۰۶، ترجمه عطاران، ۱۳۸۵). این جمله بر اهمیت امر تعلیم و تربیت اشاره دارد؛ تربیت شخصیت هر فرد را شکل می دهد.

با توجه به اهمیت والای امر تعلیم و تربیت، ضروری است تا شیوههای تربیتی و معلوماتی که قرار است در اختیار متربیان و متعلمان قرار گیرد، مورد کنترل واقع گردد.

جامعه ای ایرانی از دیرباز، دارای فرهنگ اسلامی بوده است. گرچه نقش این فرهنگ زیبا و انسان ساز در طول دوران حکومت پهلوی کمی کم رنگ شد و در حوزه تعلیم و تربیت چندان مورد استفاده قرار نگرفت، با پیروزی انقلاب اسلامی، بار دیگر این فرهنگ احیا شده و موجبات ترقی و رشد افراد را فراهم کرده است. بنا بر نقلی از صحیفه ای امام خمینی (ره)، تمامی دستگاههای اجرایی، مسئولان، دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت و... موظف هستند موجبات ترقی و رشد اخلاقی، اعتقادی، علمی و... جوانان را فراهم کنند. این مهم، با بهره گیری از تعلیم و تربیت اسلامی میسر است، این امر مورد توجه قرار گرفته و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت، ضرورت ایجاد تغییر و تحول در نهاد مهم آموزش و پرورش را احساس کردند.

اگر نهاد آموزش و پرورش را به مثابه یک سیستم در نظر بگیریم، محصولات نهایی این سیستم، حاصل موادی هستند که در ابتدا به این سیستم وارد شده اند. اگر موادی که به این سیستم راه یافته اند، همسو با تعالیم اسلامی باشند، محصولی منطبق با آرمانهای جامعه ایرانی-اسلامی ما حاصل خواهد شد؛ اما اگر مواد وارد شده دارای ناخالصی بوده با عناصر ضد فرهنگ را شامل شوند، محصول حاصله موجبات پسرفت و ایجاد ضداثرات را در جامعه خواهد شد.

امروزه، هجوم فرهنگ غرب، سبب وارد شدن صدماتی بر پیکره جامعه ایرانی-اسلامی شده است. رواج پدیدههایی مانند دین گریزی، دنیا گرایی، کم اهمیت شمردن خانواده، عمل برخلاف تعالیم اسلامی و... همه حاصل نفوذ عناصر فرهنگ غرب در فرهنگ ایرانی-اسلامی ما می باشند. تاثیر مخرب نفوذ عناصر فرهنگ غربی در عرصه تعلیم و تربیت بسیار مشهود است. اگر مهم ترین نهاد تعلیمی و تربیتی جامعه اسلامی ما، آموزش و پرورش، دستخوش عناصر نفوذی غرب واقع شوند، دچار «وابستگی فرهنگی» (بقائی پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲) خواهد شد که این امر به خودی خود دارای پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و... می باشد.



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

نفوذ عناصر فرهنگ غرب در نظام تعلیم و تربیت اسلامی پیامدها و آسیب‌هایی ناگوار دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دنیاگرایی و عدم پرورش «روح حقیقت‌جویی» (بلاغت و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲)

از آنجایی که مالکیت فردی، دنیاگرایی و مادی‌گرایی از عناصر بسیار مهم فرهنگ غربی می‌باشند، هجوم این فرهنگ بیگانه به نظام تعلیم و تربیت اسلامی موجبات از بین رفتن روحیه فداکاری، از خودگذشتگی، حقیقت‌جویی و... شده و جای این موارد را مادی‌گرایی و دنیاطلبی می‌گیرد.

- تغییر رویکرد فرد نسبت به خود و دیگران

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، انسان، خود را بنده‌ی پروردگار یکتا می‌داند و خاضعانه و خاشعانه سر تسلیم در برابر خداوند و فرمان او فرو می‌آورد. با نگاهی به آیات قرآن کریم متوجه می‌شویم که خداوند انسان را موجودی دارای اراده و اختیار آفریده است که با تعقل و تأمل، هدف آفرینش خود را عبادت و بندگی خداوند می‌داند (ذاریات، ۵۶) اما در دیدگاه غربی و عناصر فرهنگ غرب، انسان خود را فردی کاملاً آزاد می‌داند که می‌تواند هر هدفی را، هرچند ناپسند، انتخاب کرده و به آن برسد و خود را نیز از عبادت پروردگار بی‌نیاز می‌داند. با نفوذ فرهنگ غربی به نظام تعلیم و تربیت اسلامی، دیدگاه فوق‌گسترش یافته و موجبات انحطاط اخلاقی افراد را فراهم می‌آورد.

- کوچک‌انگاری سنت‌های ملی و دینی و جایگزینی آن‌ها با سنت‌های غربی

همانطور که قبلاً اشاره شد، نظام تعلیم و تربیت مانند یک سیستم است که خروجی آن منطبق با مواد وارد شده است. عناصر فرهنگ غربی با نفوذ به نظام تعلیم و تربیت ایرانی-اسلامی ما، در حال جایگزین شدن به جای عناصر اصیل فرهنگ ما می‌باشند به گونه‌ای که «فرهنگی‌مآبی» (اسدی مقدم، ۱۳۷۲، ص ۱۱ و ۱۲) به ماده‌ی ورودی اصلی نظام تعلیم و تربیت تبدیل شده و محصول آن، کوچک‌انگاری و محو عناصر و سنت‌های ملی و مذهبی ما می‌باشد.

- ایجاد اختلاف میان دین، سیاست و حوزه‌های مردمی

عناصر فرهنگ غرب، با نفوذ در نظام تعلیم و تربیت اسلامی موجبات ایجاد تضاد و اختلاف میان دین، سیاست و حوزه‌های مردمی را فراهم می‌کند. پیش از نفوذ این عناصر، تمامی حوزه‌های یادشده، همسو و هم‌جهت با یکدیگر به فعالیت می‌پردازند اما ورود این عناصر موجب پیدایش تفکرات دین‌گريزانه را فراهم کرده و این تفکرات نیز توسط نظام تعلیم و تربیت نسل به نسل منتقل خواهد شد.

- از بین رفتن انسجام فرهنگی

عناصر غربی با نفوذ در نظام تعلیم و تربیت اسلامی که مهم‌ترین نهاد جامعه است، ارزش‌های این نظام را به صورت چند پارچه تقسیم می‌کنند. ترویج انواع مختلف سبک‌های زندگی اعم از سالم یا ناسالم، سبک‌های پوشش، انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و... که توسط عناصر غربی ارائه می‌شوند، از جمله مواردی هستند که یکپارچگی فرهنگ را تهدید می‌کنند.

و...

موارد گفته شده و تعداد بسیار زیادی از نمونه‌های مشابه، از جمله آسیب‌های ناشی از نفوذ عناصر غربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی هستند. در ادامه تعدادی راهکار برای جلوگیری از گسترش این آسیب‌ها مطرح می‌گردند:

- «هویت‌بخشی به شخصیت جوانان» (حسینی جلی، ۱۳۸۳، ص ۴۹)

از جمله مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با آسیب‌های ناشی از نفوذ فرهنگ غربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، غنی‌سازی شخصیت و هویت جوانان و نوجوانان جامعه است.

- از بین بردن شبهات و ابهامات موجود در ذهن جوانان و نوجوانان

- توجه و نظارت بر فرایند تعلیم و تربیت مدارس و بهره‌گیری از ظرفیت‌های افراد مستعد جهت تربیت دانش‌آموزان

- تبیین فلسفه‌ی تربیت برای نسل جوان

- تاکید بر هویت ملی و اسلامی

- برنامه‌ریزی، هماهنگی و همکاری بین تمامی نهادهای جامعه به منظور جلوگیری از نفوذ عناصر فرهنگ غرب در نظام تعلیم و تربیت اسلامی

- افزایش تعداد کتاب‌ها، مقالات، مطبوعات و مجلات و... در باب تعلیم و تربیت اسلامی

- جلوگیری از محو شدن رسوم ملی و مذهبی

- تربیت معلمان و مربیان کارآموزده و...

## ۴- نتیجه گیری



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

پژوهش حاضر، به بررسی آسیب‌های ناشی از نفوذ عناصر غربی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته است. از جمله نتایج به دست آمده در این پژوهش، اهمیت مقابله با نفوذ عناصر غرب و ریشه‌سازی آن‌ها در نظام تعلیم و تربیت ایرانی - اسلامی است که نیازمند است با به کارگیری تدابیر مناسب، از این امر جلوگیری به عمل آید تا تبادل فرهنگی، جایگزین تهاجم فرهنگی شود. پژوهش انجام شده در راستای پژوهش‌های پیشین بوده و نتایج به دست آمده نیز این امر را تأیید می‌کند.

از جمله ویژگی‌های مهم این پژوهش، امکان مشاهده‌ی نتایج حاصله در اجتماع و نظام تعلیم و تربیت به منظور آگاهی از عمق آسیب‌های ایجاد شده است. پیشنهاد می‌گردد به منظور کاهش آسیب‌های ناشی از نفوذ غرب در نظام تعلیم و تربیت، خانواده‌ها، رویکردی درست و همسو با ارزش‌های ملی و مذهبی را پیش گیرند؛ زیرا این امر، مقابله با آسیب‌ها را در سطح جامعه آسان‌تر می‌کند. پیشنهاد می‌گردد از علوم اجتماعی، روانشناسی، تاریخ و... در جهت مقابله با نفوذ عناصر غربی بهره گرفته شود و... در پایان امید است این پژوهش بتواند به برداشتن گامی کوچک در راستای اعتلای نظام تعلیم و تربیت اسلامی کمک کند.

## منابع

قرآن کریم

- اسدی مقدم، کبری. (۱۳۷۲). دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره). تهران: انتشارات تصویرگران.
- افتخاری، اضر و آرام، محمدرضا. (۱۳۹۶). آسیب شناسی سیستمی آموزش و پرورش و ارائه راه کارها. *انسان و پژوهش‌های تربیتی*. شماره ۱(۱۷)، ۷۱-۹۲.
- بارو، آر و وودز، آر. (۱۳۹۲). درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش. (ترجمه فاطمه زیبا کلام مفرد). تهران: دانشگاه تهران. (۱۹۹۷).
- بقایی پور، پریسا و کاظمی، زهرا. (۱۳۹۴). تعلیم و تربیت اسلامی. کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، اهواز.
- بلاغت، سیدرضا و شمس الدینی، سعادت. (۱۳۹۲). مطابقت اهداف آموزش و پرورش تحول یافته با اهداف تعلیم و تربیت اسلامی. همایش ملی انجمن مطالعات درسی ایران (تغییر در برنامه درسی دوره های تحصیلی آموزش و پرورش)، بیرجند.
- بهار، مهری و گلستانه، زهرا. (۱۳۹۲). واکاوی عناصر فرهنگ غربی و تجربه زیسته ایرانی. *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*. شماره ۲، ۹۵-۱۲۳.
- پاسبان فیروزکوهی، منیژه، برهانی، ریحانه، ره‌انجام، حمیرا و شهبازی، اسکندر. (۱۴۰۱). چشم‌انداز آموزش و پرورش ابتدایی در قرن جدید شمسی (یک مرور نظام‌مند). *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. شماره ۴۸، ۱۹۷-۲۰۶.
- حسینی، محمد و نویدادهم، مهدی. (۱۳۹۱). «تربیت» یا «تعلیم و تربیت»: کدامیک؟. *پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت (مطالعات تربیتی و روان شناسی مشهد)*. شماره ۲(۲)، ۳۹-۵۶.
- حسینی جبلی، میرصالح. (۱۳۸۳). تعامل غرب‌زدگی و انحرافات اجتماعی. *معرفت*. شماره ۸۰، ۴۲-۵۰.
- خزائی، محمد (۱۳۹۰). آسیب شناسی آموزش و پرورش (با تأکید بر دوره متوسطه). اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران.
- خلیلی، علی. (۱۴۰۱). نقش آموزش و پرورش در تمدن نوین اسلامی؛ از منظر نظام تأمین نیاز. *تمدن پژوهی*. شماره ۲، ۱۴۱-۱۵۹.
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. جلد ۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دورکیم، دی. ای. (۱۳۷۶). تربیت و جامعه‌شناسی. (ترجمه محمدعلی کاردان). تهران: دانشگاه تهران. (۱۹۹۷).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۱۰-۱۳۰۹). لغت‌نامه دهخدا. تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا - شمیران.
- رحیمی، عزیزاله. (آبان ۱۳۸۰). بررسی مظاهر و پیامدهای تهاجم فرهنگی در آموزش و پرورش و راه‌های مقابله با آن. تهران: مراکز جهاد دانشگاهی.
- رهنما، اکبر. (۱۳۸۴). اهداف تعلیم و تربیت. *فراسوی دانش*، شماره ۳، ۳۲-۵۹.
- رئییسی، امینه، بلوچی، جمیله و بلوچ، ذلیخا. (۱۴۰۱). بررسی محورهای تربیتی دانش‌آموز در سند تحول بنیادین از منظر آیات و روایات. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*. شماره ۵۲، ۳۲۳-۲۵۸.
- ستایش فر، طیبه. (۱۳۹۵). رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس تربیت مغز محور. همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری، کرمان.



# کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

سجادی، سیدمهدی و برخوردار، رمضان. (۱۳۸۳). تبیین و تحلیل جریان اسلامی سازی علوم و آثار آن بر تعلیم و تربیت. **نواوری های آموزشی**، شماره ۳(۷)، ۷۸-۵۹.

شکرانی، یاسین و تمدن، حمیدرضا. (۱۳۹۶). واکاوی نقش تعلیم و تربیت مبتنی بر قرآن کریم در تمدن سازی اسلامی. همایش بین المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تاکید بر شهر مقدس مشهد، تهران.

صحافی، فاطمه و جاویدان، لیدا. (۱۳۹۴). بررسی تمایز تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی با سایر دیدگاه ها. کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، مازندران.

صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۸۰). نفوذ فرهنگ غرب در ایران. **نامه پژوهش**. شماره ۱۴، ۲۷۳-۲۵۷.

عالمی، سید علیرضا. (۱۳۸۸). آسیب شناسی فرهنگ و آیین های تمدن اسلامی از دیدگاه سید حسن نصر. **تاریخ پژوهان**. شماره ۱۸، ۶۰-۴۹.

عباسی، محمد. (۱۳۸۶). عوامل دین گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب. **معرفت**. شماره ۱۱۶، ۱۱۷-۹۹.

عترسی، طلال و زاهدپور، علی. (۱۳۸۴). نظام تربیتی اسلام و غرب. **اخلاق**. شماره ۱، ۱۳۶-۱۲۰.

علوی زاده شیرازی، صبا. (۱۴۰۰). تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع). **رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی**. شماره ۸، ۲۴۳-۲۱۳.

کاظم زاده ایرانشهر، حسین. (۱۳۰۴). تعلیم و تربیت در مدارس. **اندیشه ایرانشهر**، شماره ۳(۸)، ۴۲-۳۵.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۶). تربیت چه چیز نیست؟. تهران: انتشارات منادی تربیت.

کیان، مرجان و سحری، محمدمهدی. (۱۳۹۳). واکاوی سبک زندگی متعلم در تمدن نوین اسلامی و مقایسه ی آن با آرا اندیشمندان غربی. **اسلام و پژوهش های تربیتی**. شماره ۱۱، ۹۷-۸۱.

گریسون. آر و اندرسون. تی. (۱۳۸۵). یادگیری الکترونیکی در قرن ۲۱. (ترجمه محمد عطاران). تهران: انتشارات موسسه توسعه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند. (۲۰۰۶)

ماشینچی، علی اصغر و صفا، حکیمه. (۱۴۰۱). اهداف تعلیم و تربیت اسلامی. **مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی**. شماره ۴۲، ۱۰۴-۹۱.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶). **تهاجم فرهنگی**. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

یاسمی، رشید. (۱۳۰۴). تعلیم و تربیت در ایران. **روانشناسی و علوم تربیتی**، شماره ۱(۱)، ۸-۶.

یزدخواستی، علی و هادیان نیاسری، حامد. (۱۳۹۹). آسیب شناسی مدیریت آموزشی در آموزش و پرورش ایران. هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.

Abusulayman. A., & AbdulHamid, M. (1999). From islamization of knowledge to islamization of education, *The American Journal of Islamic social sciences*. New York.

Amen DG.2007. Seven ways to optimize your brain and your life, Available in: Novamber. balancedconcepts.

Bishop D, Rutter M.2008. Neurodevelopmental disorders: conceptual approaches. In M

Blakemore SJ.2008. The social brain in adolescence. *Nature Reviews Neuroscience*,9(4):267-277.

Kalin, I (2000). Three views of science in the Islamic world, *Live Journal*.London.

Rutter, D Bishop, D Pine, S Scott, J Stevenson, E Taylor, &A Thapar (Eds). *Rutter's Child and Adolescent Psychiatry* (pp.32-41). Blackwell: Oxford

Stenberg, Leif. (1995). The islamization of science or the marginalization of Islam: The positions of seyed Hossein Nasr and Sardar. *The Third Conference on Middle Eastern Studies*. Finland.